

چهارشنبه 20 مهر 15 ذی القعدة 12 اکتبر

آغاز جشنواره عکاظ در عصر جاهلیت ...

آغاز جشنواره عکاظ در عصر جاهلیت

در عصر جاهلیت و پیش از ظهور دین مبین اسلام، بازارهایی موقت و سرپایی در برخی از نواحی جزیره العرب برگزار می شد و عرب های مناطق مختلف، در آن ها گرد آمده و به داد و ستد می پرداختند. مانند بازار عدن [در جنوب یمن]، از اول تا دهم ماه مبارک رمضان؛ بازار صنعاء [در شمال یمن]، از نیمه ماه مبارک رمضان تا آخر آن؛ بازار رابیه [در حضرموت]، بازار عکاظ [در نجد] و بازار ذی مجاز [در مکه] و بازارهای دیگر.

این بازارها، گرچه در لغت عربی به "سوق" و "اسواق" تعبیر شده است، که معادل فارسی آن، "بازار" و "بازارها" است، ولیکن در عمل، برخی از آن ها از داد و ستد بازرگانی معمولی، که هدف اولی و اصلی آن ها بود، فراتر رفته و به محل هنرنمایی، شعر خوانی و تفاخر قبیله ای و طایفه ای تبدیل شده و در واقع، جشنواره سالانه عرب ها بودند.

بازار عکاظ، که از مهمترین بازارهای سالانه عرب ها بود، از همین طیف بود.

این بازار، بزرگترین بازار و یا بزرگترین جشنواره سالانه عرب ها بود که قبیله های بزرگ جزیره العرب، مانند قریش، هوازن، بنی حارث، بنی عضل، بنی دیش، بنی حیا و بنی مصطلق و گروه هایی دیگر از قبایل و طوایف، در آن حضور می یافتند.

جشنواره عکاظ، از پانزدهم تا آخر ذی قعدة و به قولی از اول تا هشتم ذی قعدة، در هر سالی برگزار می گردید.

برخی از طوایف و قبایل عرب، مانند بنی اسد، بنی طی، بنی بکر و گروهی از بنی عامر، ایام برگزاری بازارهای سالانه را، برای زورگویی، ستم گری و اجحاف بر دیگران، مباح و روا می دانستند و به محلتین [یعنی حلال کنندگان حرام الهی] شهرت یافتند، ولی در برابر آنان، برخی از طوایف و قبایل دیگر، مانند بنی عمرو بن تمیم، بنی حنظله و گروهی از هذیل، بنی شیبان و بنی کلب، این رویه را محکوم کرده و خود را برای یاری ستم دیدگان و محرومان آماده می کردند و با پوشیدن لباس های رزمی و گرفتن سلاح، از هر گونه اباحه گری، فتنه انگیزی و افسار گسیختگی محلتین جلوگیری می کردند.

این گروه، "ذادة المحرمون" نامیده می شدند.

قتل عام بنی امیه در شام توسط سپاهیان عباسی در سال 132 هجری قمری

مروان بن محمد بن مروان، معروف به مروان حمار، آخرین زمامدار بنی امیه بود که به مقام خلافت مسلمانان دست یازید. وی، پس از خلع ابراهیم بن ولید در صفر سال 127 قمری، از مردم برای خویش بیعت گرفت و تا محرم سال 132 در این منصب قرار داشت و در این زمان به دست انقلابیون عباسی کشته شد و به حکومت پنج ساله مروان و خلافت نود و چند ساله امویان پایان داده شد.

سپاهیان بنی عباس پس از فتح شهرهای مختلف، به سوی دمشق رسپار شده و آن را در محاصره خویش گرفتند.

پنجاه هزار تن از مدافعان اموی، به فرماندهی ولید بن معاویه بن عبدالملک بن مروان، در برابر مهاجمان بی شمار عباسی به فرماندهی عبدالله بن علی بن عبدالله بن عباس قرار گرفتند و نبرد سنگینی میان آنان به وقوع پیوست و سرانجام امویان متحمل شکست و اضمحلال شدند و عباسیان به قتل عام آنان پرداختند.

ابن ابی‌الحدید، در این باره گفت: و قتل عبدالله بن علی بدمشق خلقاً کثیراً من اصحاب مروان و موالی بنی‌امیه و اتباعهم.

آن‌گاه عباسیان به سوی رود ابی‌فطرس در اردن هجوم آوردند و در این مکان، که بازماندگان اموی، از جمله خانواده و کسان مروان حمار را که پناه گرفته بودند مورد تاخت و تاز خویش قرار داده و تعدادی از آنان را قتل عام کردند.

صاحب وقایع‌الایام در این باره گفت: در این روز (15 ذی‌قعدة) سال 132، بنی‌عباس جمع‌کثیری از بنی‌امیه را در نهر اردن به قتل رسانیدند. پس از آن فرشی بر روی ایشان گسترانیدند و به طعام خوردن مشغول شدند، در حالی که بنی‌امیه ناله و اضطراب می‌نمودند و در تحت ایشان جان می‌دادند.

بنای شهر سامرا توسط معتصم در سال 220 هجری قمری

ابواسحاق، محمد بن هارون الرشید، معروف به "المعتصم بالله" [هشتمین خلیفه عباسیان]، پس از وفات برادرش مأمون عباسی، در سال 218 قمری، به خلافت رسید.

مقر حکومت عباسیان، از زمان منصور دوانقی تا زمان وی، شهر بغداد بود. ولی حضور سپاهیان خلیفه از نقاط مختلف اسلامی در بغداد، از جمله مغاربه [جنگجویان مصری و شمال آفریقا] و فراغه [سرابازان سمرقند، فرغانه و خراسان] در مقر خلافت، مزاحمت‌های روزافزونی برای ساکنان این شهر به وجود می‌آورد و موجب نارضایتی آنان از سپاهیان خلیفه می‌گردید.

معتصم عباسی، تصمیم گرفت، پایتخت خود را از بغداد به مکانی دیگر انتقال دهد. بدین جهت در سال 219 قمری، احمد بن خالد، معروف به ابووزیر را مأموریت داد که به "قاطول" در 124 کیلومتری شمال بغداد رود و زمین‌های آن‌جا را برآورد و برانداز کند و آن‌ها را از صاحبانشان خریداری کند.

احمد بن خالد، آن‌مکان را برای تأسیس شهری جدید مناسب یافت و اراضی آن‌را از صاحبانش خریداری کرد و برخی از زمین‌های قاطول از مسیحیان بود و آنان را نیز ترغیب به فروش زمین‌هایشان کرد.

وی، مقدمات ایجاد یک شهر بزرگ را فراهم کرد و سپس به بغداد برگشت و معتصم را از وضعیت قاطول باخبر گردانید.

معتصم، در پانزدهم ذی‌قعدة سال 220 قمری به همراه خانواده، دبیران، درباریان، قضات و فرماندهان انتظامی و نظامی وارد قاطول شد و بنای انواع ساختمان‌ها را در آن‌جا آغاز کرد و برای خود، در کنار رود دجله، کاخ مجلل و زیبایی بنا کرد و آن‌را "جوسق" نامید. وی در آبادانی این شهر تلاش زیادی نمود و سرمایه‌داران و صاحب‌منصبان را به آبادی و عمران آن بسیار ترغیب و تشویق کرد و سرانجام در سال 221 قمری رسماً در آن سکونت گزید. از آن‌هنگام، این شهر "دارالخلافة" عباسیان گردید و معتصم آن‌را "سرّ من رای" [یعنی: هر کسی مرا ببیند، مسرور و خوشحال گردد] نامید ولی مردم، آن‌را مختصر و کوتاه کرده و "سامرا" نامیدند.

درگذشت « ابن‌فاخر» در سال 500 هجری قمری

« ابن‌فاخر» نحوی و لغوی بزرگ در سال 500 هجری قمری در بغداد درگذشت. او پس از سالها مطالعه در نحو، لغت و همچنین حدیث استادی توانا شد و شاگردان بسیاری بدور خود گردآورد. بطوریکه حتی اهل یمن نیز از دانش او بهره بردند. شیوه نگارش ابن‌فاخر بنا بر گفته ابن‌مکتوم مبتنی بر نثری مکلف و آمیخته با صنایع لفظی است. از جمله آثار این نحوی بزرگ که خطی زیبا داشت کتاب‌هایی « المَعْلَم در نحو، نحو الصّرف و شرح الایف و اللام مازنی» را می‌توان نام برد.

تولد ابن‌القّف فیلسوف و طبیب برجسته عرب در سال 630 هجری قمری

ابن‌القّف فیلسوف و طبیب برجسته عرب در سال 630 هجری قمری در کربک اردن دنیا آمد. وی تحصیلاتش را با مطالعه فنون اولیه و اساسی علم طب و کتابت تقدّم‌المعرفة اثربقراط آغاز کرد. پس از آن آثار رازی دانشمند و کاشف ایرانی را مطالعه کرد و در زمینه معالجه امراض و علل و علائم آنها و طبقه‌بندی بیماریها تحقیقات جامع و گسترده‌ای انجام داد. ابن‌القّف برای ادامه تحصیل به دمشق رفت و حکمت طب، فلسفه و ریاضیات را آموخت. ابن‌القّف از فعالترین مدرّسان و مؤلفان عصر خود بشمار می‌رفت. از آثار او کتاب العمدّة را می‌توان نام برد. این کتاب مفصل‌ترین کتاب قرون وسطی در باب جراحی است. در این کتاب پیوند حیاتی میان شریانها و وریدها و جریان خون میان آنها تشریح شده است. جامع‌القرض دیگر اثر ابن‌القّف درباره جنین‌شناسی، دوران رشد کودک، چگونگی رفتار با نوزاد

روز حافظ

حافظ شاعر معروف غزلسراي فارسي كه از شيراز برخاسته بود. نامش محمد شمس الدين بود كه بعدها به خاطر حفظ بودن قرآن مجيد و آگاهي به معارف اسلامي ، متخلص به خواجه حافظ شيرازي شد. او در حدود سال 700 هجري چشم به جهان گشود و اندكي پس از ورود تيمور به شيراز، در سال 768، در زادگاهش شيراز، دیده از جهان فرو بست. بزرگداشت حافظ بزرگداشت فرهنگ اسلامي و ايراني و اندیشه هاي ناب است، براي بزرگداشت حافظ 20 مهر را روز حافظ نام نهاده اند.

برخي از مهمترين وجوه تفكر حافظ را مي توان چنين برشمرد:

- 1- نظام هستي در اندیشه حافظ همچون ديگر متفكران عرفان مدار نظام احسن است.
- 2- عشق، جان و حقيقت هستي است. آدمي و پري، ملك و ملكوت طفيل هستي عشقند.
- 3- تسليم و رضا و توكل ابعاد ديگري از اندیشه و جهان بيني حافظ را تشكيل مي دهد.
- 4- "ابن الوقتي" و فرزند زمان خود بودن نيز يكي ديگر از ابعاد تفكر حافظ است.
- 5- انتظار و طلب وضع موعود، از مفاهيم عميقي است كه در سراسر ديوان حافظ به صورت آشكار و پنهان وجود دارد، و ...

امضای قرارداد اشغال آلمان در لندن در سال 1944 ميلادي

نمایندهگان امريكا، انگلستان و شوروي قرارداد اشغال آلمان در سال 1944 ميلادي را در لندن امضا كردند. اين قرارداد زماني امضا شد كه جنگ جهاني دوم هنوز خاتمه نيافته بود. پس از انعقاد قرارداد اشغال آلمان، متفقين حملات هماهنگ خود را از غرب و شرق آغاز كردند و خطوط دفاعي آلمان نازي را درهم شكستند. در سال 1945 ميلادي آلمان بطوركامل از متفقين شكست خورد و فرماندهان متفقين زمام امور آلمان را در برلين بدست گرفتند. گفتني است كه برلين به لحاظ موقعيت خاص خود منطه بين المللي و آزاد اعلام شد.

انجام يك عمل بی سابقه يك پيوند مغز در مكزيك سال 1987 ميلادي

يك پيوند مغز در مكزيك سال 1987 ميلادي در مكزيك انجام گرفت كه در جهان علم بي سابقه بود. در اين عمل جراحي مهم دكتر مازارو بخشي از مغز جنيني را كه بر اثر سقط جنين از دنيا رفته بود، به مغز مرد 50 ساله و مبتلا به بيماري پاركنسيون پيوند زد. عمل جراحي دكتر مازارو در بخش مغز و اعصاب مركز پزشكي رازا در مكزيك با موفقيت به انجام رسيد.

امضاء پيمان وحدت توسط دو كشور آلمان غربي و شرقي و چهار كشور پيروز در جنگ جهاني دوم در سال 1990 ميلادي

دو كشور آلمان غربي و شرقي و چهار كشور پيروز در جنگ جهاني دوم پيمان وحدت را در سال 1990 ميلادي امضا كردند. در پيمان وحدت، مسئله وحدت سياسي و جغرافيايي دو كشور آلمان بررسي شد و سپس اعطاي حق حاكميت كامل به آلمان متحد به تصويب اعضا رسيد. اين پيمان راه را براي وحدت دو آلمان گشود.